

ارزیابی راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال بحرین یمن

محمدرضا دهشیری^۱، فرشته معبودی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۲۴

چکیده

مقاله حاضر با هدف بررسی راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در قبال بحرین یمن، در وهله نخست به تبیین عوامل بحرین ساز در این کشور در قالب نظریه بحران‌های لوسین پای می‌پردازد. نگارندگان در ادامه با تشریح جهت‌گیری و سیاست‌های تهران در قبال بحرین یمن با در نظر گرفتن ارزش‌ها و اصول کلی حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی و توجه به شرایط امنیتی حاکم بر منطقه، به ارزیابی راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در مقطع کنونی، با استفاده از نظریه مجموعه امنیتی باری بوزان و تلاش‌های عربستان سعودی برای امنیتی کردن امور منطقه‌ای می‌پردازند. در واقع ریاض از آغاز شکل‌گیری کشور خود در سال ۱۹۳۲ با امنیتی سازی مسائل یمن به دنبال تحقق منافع و سیاست‌های خود در صحنه بوده و در حال حاضر نیز با افزایش قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، با دنبال کردن سیاست یاد شده، به نوعی سعی دارد تا با برداشته‌های هم‌مونیک خود، تهران را عاملی در امنیتی سازی فضای منطقه معرفی نماید. از این رو مقاله تبیین روشن سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران که بر آرمان‌های مسالمت‌آمیز و مشارکت جویانه بنا شده است، را از طریق راهبرد امنیتی زدایی^۳ با هدف شکستن فضای امنیتی حاکم بر منطقه خلیج فارس پیشنهاد می‌کند.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، بحرین یمن، خلیج فارس، امنیت منطقه‌ای.

۱. دانشیار علوم سیاسی دانشکده روابط بین‌الملل.

Email: mohammadreza_dehshiri@yahoo.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی دانشکده روابط بین‌الملل

3. De-securitization

مقدمه

بحران یمن با حمله عربستان سعودی به این کشور در تاریخ ۲۶ مارس ۲۰۱۵ آغاز شد. گرچه ریشه‌های بحران به سال‌های قبل با توجه به ضعف بنیه اقتصادی، غلبه فرهنگ قبیله‌گرایی و عدم شکل‌گیری هویت ملی منسجم و یکپارچه و سرانجام ضعف دولت مرکزی یمن باز می‌گردد. ولی سیاست‌های مداخله‌جویانه عربستان سعودی در یمن از زمان تأسیس ریاض در سال ۱۹۳۲ میلادی تاکنون شرایط را برای اعمال حاکمیت دولت یمن چه در بعد داخلی و چه در بعد خارجی دشوار نموده است. از این‌رو در جریان تحولات یمن که از سال ۲۰۱۱ آغاز شد، حضور و نفوذ گسترده عربستان، برای کنترل اوضاع، به نفع خود، مانع از ایجاد حکومت ملی مورد توافق تمامی طرف‌های درگیر در یمن گردیده است.

در واقع آغاز بحران یمن به تحولات موسوم به بهار عربی در جهان عرب باز می‌گردد. که منجر به حمله به کاخ ریاست جمهوری و مصدومیت علی عبد الله صالح و نهایتاً برکناری وی از قدرت شد. (ابوالحسن شیرازی، مظلوم طبائی زواره، ۱۳۹۱: ۴۲)

عربستان سعودی با ارایه طرح ده بندی زمینه را برای روی کار آمدن عبد ربه منصور هادی (معاون رئیس‌جمهور پیشین یمن) فراهم نمود. (کاردان، ۱۳۹۰: ۱۶۹) پس از استعفا و فرار عبد ربه منصور هادی از کشور، عربستان سعودی با هدف روی کار آمدن دولت دست نشانده خود با ائتلافی از ده کشور عربی در تاریخ ۲۶ مارس ۲۰۱۵ به یمن حمله کرد. (فیروز کلائی، ۱۳۹۴: ۱۷۱)

در پژوهش حاضر، به دلیل بررسی راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن، در واقع دو سطح داخلی و خارجی به صورت هم‌زمان مورد توجه قرار می‌گیرد. از این رو، با استفاده از نظریه بحران‌های پنج‌گانه لوسین پای، سطوح مختلف بحران حکومت یمن نام برده می‌شود و از طرفی، با توجه به حاکم بودن فضای امنیتی بر منطقه خاورمیانه، نظریه کپنهاگ، به عنوان چارچوب تئوریک، برای تحلیل مناسبات حاکم بر این منطقه، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بررسی ساختار داخلی یمن، از آن‌جا که نظریه بحران‌های پنج‌گانه لوسین پای مناسب دیده می‌شود. به صورت خلاصه، به بحران‌های هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ و توزیع می‌توان اشاره کرد. (پای، ۱۳۸۰: ۱۷۰) سپس به راهبردهایی که جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن در پیش می‌گیرد، پرداخته می‌شود. در ادامه به ارزیابی و راهبردهای که به حل بحران و کاهش هزینه تهران در یمن کمک می‌کند، اشاره می‌گردد.

۱. کالبد شکافی بحران یمن بر اساس نظریه لوسین پای

بررسی بحران یمن بیانگر آن است که عربستان سعودی با توجه به بحران‌های پنج‌گانه اجتماعی یمن مبادرت به امنیتی سازی بحران یمن نموده است. حال شایسته است ریشه‌های بحران در یمن با بهره‌گیری از نظریه لوسین پای تجزیه و تحلیل شود.



۱-۱. بحران هویت

ریشه‌های عدم شکل‌گیری هویت ملی منسجم و یکپارچه در یمن را می‌توان، از طرفی در انقلاب ۱۹۶۰ میلادی که منجر به انحلال رژیم هزار ساله امامت در این کشور شد و از طرفی در وجود دو یمن شمالی و جنوبی تا سال ۱۹۹۰ میلادی دید. به این ترتیب که وجود دو واحد سیاسی منفک منجر به شکل‌گیری هویت‌های مستقل شد که پس از ادغام دو یمن نیز شاهد ایجاد هویت یکسان در این کشور نیستیم.

از طرفی، غالب بودن فرهنگ قبیله‌گرایی بر یمن را می‌توان، مانعی دیگر برای شکل‌گیری هویت منسجم دانست. چرا که یمن جامعه‌ای قبیله‌ای با بیش از ۷۵ درصد جمعیت روستائین است. از این رو تعصبات قبیله‌ای جزو ارزش‌های ریشه‌دار در یمن است. که چنین ارزش‌هایی در برقراری نظم و امنیت و اجرای مجازات مجرمان به عنوان جایگزین احکام دولتی از جایگاه مهمی برخوردار است. (global security, access date: 2015)

۲-۱. بحران نفوذ

در واقع تحت تأثیر همین قدرت قبایل است که دولت، توان ایفای نقش برتر در زمینه آموزش و اعمال نفوذ بر تمام مناطق کشور را نداشته است. (صادقی، احمدیان، ۱۳۸۹: ۲۵۷) هم‌چنین قبایل در یمن به عنوان مدخلی برای نفوذ کشورهای خارجی نیز محسوب می‌شوند. از این رو قبایلی که نزدیک مرز عربستان هستند، از نظر مالی به عربستان سعودی وابسته هستند. در واقع سعودی‌ها از حاکم بودن چنین شرایطی در یمن، استفاده کرده و به شیوخ قبایل، حقوق پرداخت می‌کنند. (جوکار، ۱۳۹۱)

۳-۱. بحران توزیع

وضعیت اقتصادی بخرنج و فقر در جنوب، با توجه به ثروت‌های نفتی این منطقه و احساس تبعیض سیاسی جنوبی‌ها، بحران توزیع در این کشور را شکل می‌دهد. در واقع بی‌توجهی صنعا به جنوب یمن تا حدی بود که، در سال ۲۰۰۹، هم‌زمان با سالروز وحدت یمن، علی سالم البیض (رئیس‌جمهور پیشین یمن جنوبی) اعلام کرد، به تلاش‌های خود برای رهبری جریان "گسست ارتباط" (تجزیه) ادامه می‌دهد. پس از آن عدن و مناطق یمن جنوبی پیشین شاهد تظاهرات متوالی و گسترده‌ای به طرفداری از تجزیه بودند. (صادقی، احمدیان، ۱۳۸۹: ۲۶۷)

در این رابطه می‌توان گفت، شرایط مردم یمن در زمینه امور رفاهی و آموزشی به گسترش اعتراض‌های سال ۲۰۱۱ سرعت بخشید. برای مثال: عدم دسترسی نود هزار کودک به امکانات آموزشی و برخوردار نبودن نیمی از جمعیت این کشور از آب آشامیدنی، در کنار بیکار بودن ۴۰ درصد از جمعیت یمن در شرایطی که حدود ۷۵ درصد از جمعیت این کشور را جوانان زیر ۲۵ تشکیل می‌دهند، از مواردی است که زمینه‌های اعتراض را فراهم ساخت. (UNDP, 2012)



۴-۱. بحران مشروعیت

این بحران از طریق تلاش‌های صالح، جهت باقی ماندن در قدرت و ریاست مادام‌العمر بر یمن، شکل گرفت. در واقع صالح، با تصویب قانونی در مجلس که طبق آن دوران ریاست‌جمهوری در این کشور را نامحدود می‌کرد و او می‌توانست تا ابد کاندیدا و انتخاب شود، به موروثی کردن قدرت در این کشور همانند سایر کشورهای عربی صبغه قانونی داد. (ابوالحسن شیرازی، مظلوم طبائی زواره، ۱۳۹۱: ۴۱)

پس از شروع اعتراض‌های گسترده در یمن نیز، به دلیل ورود کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و پیاده شدن طرح شورای یاد شده، از طرفی بی‌توجهی به خواست‌های مردمی، بحران مشروعیت همچنان پا بر جا ماند. بر طبق این طرح، معاون علی عبدالله صالح (عبدربه منصور هادی) قدرت را در دست گرفت و مسئول برگزاری انتخابات برای روی کار آمدن رئیس‌جمهور منتخب مردمی شد. (کاردان، ۱۳۹۰: ۱۶۹) این در حالی بود که منصور هادی، با وجود اعتراض‌های گسترده مردمی جهت روی کار آمدن حکومت مورد توافق گروه‌های مختلف، خود را به عنوان تنها کاندیدای انتخابات مطرح کرد و در انتخاباتی که تنها ۶۰ درصد از واجدین شرایط، شرکت کردند، پیروز شد. (Yemen Times, 2014)

۵-۱. بحران مشارکت

بحران مشارکت در یمن را می‌توان با تحلیلی بر میزان مشارکت و سهم بودن احزاب در قدرت سیاسی این کشور مشاهده نمود. از زمان تاسیس یمن متحد، نظام حزبی صنعا را می‌توان، در قالب اقتدارگرایی^۱ مبتنی بر هژمونی^۲ حزب حاکم (کنگره مردمی) تعریف کرد. در این نظام اگر چه احزاب و گروه‌های سیاسی گوناگونی در عرصه سیاسی مشارکت می‌کنند، حزب حاکم به شیوه‌های مختلف پیروزی خود را در انتخابات تثبیت و هژمونی خود را برقرار می‌کند.

مهم‌ترین ویژگی نظام حزبی یمن در دوره علی عبدالله صالح، وجود احزاب و گروه‌های مختلف در عرصه انتخابات و هم‌زمان، پیروزی مداوم حزب کنگره مردمی با بهره‌گیری از انواع روش‌های قانونی و غیرقانونی است. (نیاکوئی، ۱۳۹۰: ۱۲۰) از این‌رو با شروع اعتراض در این کشور در بستر بهار عربی که منجر به برکناری علی عبدالله صالح شد، گروه‌ها و احزاب مختلف در یمن خواهان شکل‌گیری حکومت با مشارکت تمامی گروه‌ها شدند. اما با وجود اعتراض‌های گسترده مردمی و تحولاتی نظیر: برگزاری نشست‌های گفت و گوی ملی در یمن، (Schmitz, 2014) با حمایت عربستان سعودی از منصور هادی، نشست‌های یاد شده با محوریت روی کار آمدن دولت مردمی با مشارکت احزاب مختلف به نتیجه نرسید. با توجه به بحران‌های گفته شده، به نظر می

1. Authoritarianism
2. Hegemony



رسد عربستان سعودی با بهره‌گیری از نقاط ضعف درونی در یمن و با توجه به پیشینه تأثیر و نفوذ در یمن و افزایش نفوذ تهران در منطقه توانسته است به امنیتی سازی بحران در این کشور مبادرت نماید.

۲. راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن

جمهوری اسلامی ایران با شروع بحران یمن، با پیش‌گیری سیاست خویش‌داری، جهت کاستن از تنش‌ها و جلوگیری از ایجاد میدان رقابت منطقه‌ای در یمن، راهبردهای خود را با تمرکز بر اصل احترام به رأی مردم یمن و تقبیح و محکومیت هرگونه مداخله خارجی پایه‌ریزی نمود. در این قسمت به مهم‌ترین راهبردهایی که از آغاز بحران یمن، تهران در پیش گرفته، اشاره می‌گردد.

۱-۲. ارائه طرح چهارماده‌ای پس از حمله عربستان سعودی به یمن

وزیر امور خارجه ایران (محمدجواد ظریف) پس از حمله عربستان سعودی به یمن، طرح چهار ماده‌ای را به دبیر کل سازمان ملل تحویل داد. این طرح شامل بندهای زیر است:

(الف) برقراری آتش‌بس و توقف هر چه زودتر حملات نظامی خارجی.

(ب) فرستادن فوری و بدون وقفه کمک‌های انسان دوستانه برای مردم یمن.

(ج) از سرگیری گفت و گوی ملی یمنی با هدایت مردم یمن و مشارکت نمایندگان تمام احزاب سیاسی و گروه‌های اجتماعی این کشور.

(د) تشکیل دولت فراگیر وحدت ملی یمن.

در این طرح تأکید شده است، منازعه کنونی یمن راه‌حل نظامی ندارد و تنها راه برقراری صلح و ثبات، شرایطی است که همه احزاب یمن، بدون مداخله خارجی بتوانند دولت وحدت ملی و فراگیر خود را تشکیل دهند. (Charbonneau, 2015)

۲-۲. عدم مداخله نظامی تهران در یمن

همان‌طور که در بالا گفته شده، جمهوری اسلامی ایران با شروع بحران یمن، سیاست خویش‌داری در پیش گرفت. به عبارتی، تهران با وجود پایبندی به آرمان حمایت از مظلومان و مبارزه با سلطه‌طلبان در عرصه‌های مختلف، به چند دلیل علاقه‌ای به وارد شدن در جنگ یمن ندارد. در مرحله اول، خطر افزایش گروه‌های تروریستی که با شروع جنگ‌های داخلی در سوریه و عراق، به صورت محسوس نمایان است. با ورود قدرت‌های منطقه‌ای در جنگ یمن می‌تواند در امتداد تحولات اخیر جبهه دیگری را با توجه به مناسب بودن فضای صنعا برای رشد تروریسم، فراهم آورد. در مرحله دوم می‌توان گفت ورود نظامی تهران به بحران یمن، به مثابه سرپوشی بر اقدامات غیر مسئولانه عربستان سعودی به شمار می‌آید. به این معنا که تلاش ریاض از



ابتدای حمله مقابله با گسترش طلبی‌های تهران و امنیتی سازی فضای منطقه بود، از این رو هرگونه اقدام نظامی از سوی جمهوری اسلامی ایران به هدف ریاض جامه عمل می‌پوشاند. (Almonitor, 2016) در مرحله سوم نیز باید عنوان کرد در حال حاضر تهران پس از سال‌ها مذاکره موفق به جلب اعتماد جامعه بین‌المللی و رسیدن به توافق بر سر برنامه هسته‌ای خود با قدرت‌های جهانی شده است. بنابراین در این مقطع، تمرکز جمهوری اسلامی ایران با توجه به کنار رفتن تحریم‌ها، افزایش توان اقتصادی و مطرح کردن خود به عنوان الگوی موفق در منطقه است. تا دولت‌هایی نظیر صنعا با مشاهده پیشرفت‌های همه‌جانبه تهران، از مدل سیاستمداری و مدیریت تهران الگوبرداری کنند. از این رو حکومت جمهوری اسلامی ایران با توجه بحران حقوق بشردوستانه در این جنگ با تکیه بر دستگاه دیپلماتیک خود خواهان یافتن راه‌حلی غیر از گزینه نظامی برای پایان یافتن جنگ یمن است. (Transfeld, 2017) طبیعی است زمانی که دولتی قادر به بهره‌برداری از قابلیت‌های معنوی و فرهنگی خود است، تمایلی به استفاده از ابزارهای نظامی نخواهد داشت.

۲-۳. حمایت از گروه حوثی

تهران با توجه به گرایش گروه حوثی به آرمان‌های انقلاب جمهوری اسلامی و وجود پیوندهای فرهنگی-مذهبی طی دوره‌های تاریخی با شیعیان زیدی یمن که برای نزدیک به هزار سال بر این کشور حکومت می‌کردند، هم‌چنین به دلیل نادیده گرفته شدن این گروه از سوی حکومت مرکزی یمن، همواره به حمایت معنوی از گروه حوثی پرداخته است.

در این راستا جمهوری اسلامی ایران زمینه آموزش مذهبی زیدی‌های یمن را فراهم آورده است. که می‌توان به تسهیل امکان تحصیل مذهبی زیدی‌ها در شهر قم اشاره نمود. تهران در کنار شرایط تحصیل، با دعوت از علمای زیدی برای شرکت در کنفرانس وحدت و تقریب مذاهب، در جهت تقویت جایگاه مذهب یاد شده تلاش می‌کند. (Adelkhah, 2015) دستور مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برای طرح ساماندهی و توسعه و بازسازی مقبره ناصر الحق اطروش (متکلم و فقیه زیدی مذهب) به دنبال سیاست حمایت از حوثی‌ها ارزیابی می‌شود. (khalaji, 2015)

در جریان اعتراض‌های مردمی در کشور یمن، تهران به حمایت خود از گروه یاد شده تداوم بخشید. تهران با قدرت‌گیری حوثی‌ها، با انعقاد قراردادهای اقتصادی سعی در گسترش روابط با کشور یمن داشت. این قرارداد شامل: گسترش بندر حدیده و ساخت نیروگاه‌های گاز و برق در یمن بود، که در سال ۱۳۹۳ به امضاء رسید. (milani, 2015)



۲-۴. ارتباط تهران با تمامی بازیگران و احزاب یمن

جمهوری اسلامی ایران، برقراری رابطه با تمامی احزاب یمن را در دستور کار خود قرار داده و طی نشست‌هایی که با این احزاب دارد، بر موضوعاتی چون: حفظ وحدت و توجه به ملی‌گرایی تأکید می‌کند. پس از حمله به سفارت جمهوری اسلامی ایران، احزاب یمن، شامل: احزاب لیبرال، سوسیالیست و احزاب جنوب، در کنار سایر گروه‌ها برای محکومیت این حمله از سوی ریاض، در سفارت جمهوری اسلامی ایران حضور یافتند. در این دیدار کاردار جمهوری اسلامی ایران (مرتضی عابدینی) از نمایندگان احزاب مختلف یمن به دلیل دنبال کردن سیاست‌های همبستگی حول دو موضوع انقلاب مردمی و ضدیت با جنگ و تجاوز عربستان سعودی و گروه‌های تکفیری تقدیر کرد. (شبکه العالم، ۱۳۹۴) در واقع این سیاست جهت تحکیم همبستگی گروه‌های مختلف یمن برای تسریع روند توافق بر سر حکومت ملی دنبال می‌شود.

۲-۵. جلوگیری از پیوستن کشورهای منطقه به ائتلاف عربستان سعودی در حمله به یمن

از دیگر سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران، در قبال بحران یمن، می‌توان به راهبرد جلوگیری از پیوستن کشورهایی چون پاکستان، ترکیه و عمان در ائتلاف حمله به یمن اشاره داشت.

الف) اعلام بی طرفی اسلام آباد در حمله یمن

در واقع مصوبه بی طرفی در جنگ یمن که از سوی پارلمان پاکستان صادر شده است، را باید در پرتو تلاش‌های دیپلماتیک تهران و قدرت‌یابی ایران در عرصه معادلات منطقه‌ای عنوان کرد. به عبارتی این مصوبه، بدون این که نشانه رویگردانی کامل اسلام آباد از حامی قدیمی خود (ریاض) باشد، نشانه این است که چشم انداز استراتژیک روابط اسلام آباد- تهران در حال تحول مثبت است.

یکی از مهم‌ترین دلایل پاکستان برای عدم همراهی با ائتلاف سعودی جهت مداخله در یمن، تلاش برای حفظ روابط حسن همجواری با ایران بوده است؛ کشوری که دارای ذخایر هیدروکربنی گسترده است و مرز مشترک با پاکستان تشنه انرژی دارد. این در حالی است که تهران با توافق هسته‌ای، تحریم‌های ایالات متحده علیه این کشور خود را به صورت بالقوه حذف کرده است. این امر که به نوعی به بهبود جایگاه بین‌المللی و به تبع آن منطقه‌ای تهران کمک می‌کند. زمینه را برای اتخاذ سیاست بی‌طرفی اسلام آباد در حمله علیه یمن فراهم نمود. (Ritzinger, 2015)

ب) عدم همراهی عمان با اعضای شورای همکاری خلیج فارس در حمله به یمن

از طرفی سیاست خویشتن داری جمهوری اسلامی ایران در قبال جنگ یمن، عمان را به عنوان یکی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس به عدم همراهی با اعضای شورای یاد شده در جنگ یمن ترغیب کرد.



می‌توان گفت، حفظ بی‌طرفی که یکی از اصول بنیادین سیاست خارجی سلطان قابوس (پادشاه عمان)، است. در بستر فضای منقطه که ناشی از در پیش گرفتن سیاست غیر مداخله جویانه از سوی تهران بود، امکان اجرایی شدن یافت. از این رو حکومت عمان به ایفای نقش میانجی در بحران یمن پرداخت و زمینه برگزاری مذاکرات برای برقراری آتش‌بس در یمن را فراهم نمود. (Almonitor, 2015)

ج) همراهی نکردن آنکارا با سیاست‌های نظامی آل سعود در یمن

هم‌چنین مخالفت جمهوری اسلامی ایران با سیاست تهاجمی عربستان سعودی در یمن، مانع از همراهی ترکیه با ریاض شد. با شروع حمله ریاض، رسانه‌های آنکارا اعلام کردند، این کشور با نپیوستن به ائتلاف حمله در قبال یمن، از ایجاد هرگونه تنش در مناسبات خود با تهران جلوگیری می‌کند. در آنکارا این نگرش وجود دارد، که در پیش گرفتن سیاست‌های تهاجمی در یمن، می‌تواند رویکرد اقتصادی تهران را در قبال کشور یاد شده تغییر دهد. نگرانی ترکیه، از آن‌جا ناشی می‌شود که جمهوری اسلامی ایران، جزو مهم‌ترین صادرکنندگان انرژی به این کشور است. هم‌چنین اقتصاددان‌های ترکیه بر این باورند که با کنار رفتن تحریم‌ها، زمینه‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری این کشور در تهران فراهم می‌شود. عوامل یاد شده، آنکارا را از اعمال سیاست تهاجمی در یمن و در پیش گرفتن سیاست همسو با عربستان سعودی بازداشت. (Crisis Analysis, 2015)

۳. الگوی راهبردی پیشنهادی برای جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن

در این بخش با توجه به توضیح بحران یمن که در قالب الگوی بحران‌های پنج‌گانه لوسین پای بیان شد. هم‌چنین اشاره به راهبردهایی که تاکنون جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن در پیش گرفته است، سعی پژوهشگران بر آن است، با استفاده از نظریه کپنهاگ الگوی راهبردی عرضه شود تا زمینه اجرایی شدن سیاست‌های تهران در بستر غیر امنیتی شدن فضای منطقه محقق گردد.

از آنجا که وجود مؤلفه‌های مجموعه امنیتی مکتب کپنهاگ در منطقه دیده می‌شود. لازم می‌آید ابتدا مؤلفه‌های مجموعه امنیتی برشمرده گردد. سپس با ارائه راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در طیفی که از امنیتی زدائی آغاز و به مسائل اقتصادی ختم می‌شود. ابعاد گوناگون امنیت از دیدگاه پژوهشگر شاخص (باری بوزان) مکتب کپنهاگ توضیح داده شود.

مؤلفه‌هایی که در مجموعه امنیتی باری بوزان دیده می‌شود. شامل ۵ عامل است. این شاخص‌ها به ترتیب عبارتند از: ۱- وابستگی متقابل امنیتی که به معنای تأثیرگذار بودن تغییر و تحولات امنیتی هر یک از اعضا بر دیگر واحدها است. (Buzan, 1991, pp.194)



۲- الگوهای دوستی و دشمنی: منظور از دوستی این است که در روابط واحدها، طیفی از دوستی واقعی تا انتظار حمایت یا حفاظت وجود داشته باشد. منظور از دشمنی نیز روابطی است که در آن سوءظن و هراس حاکم است. (Buzan, 1991, pp. 189-190)

۳- مجاورت: سومین معیاری که برای موجودیت یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای ملاک عمل قرار می‌گیرد، معیار مجاورت است. بر این اساس، تهدید به خصوص تهدید سیاسی و نظامی وقتی به حوزه جغرافیایی نزدیک هستند، با شدت بیشتری احساس می‌شوند. به عبارت دیگر مجموعه امنیتی از دولت‌هایی که در مجاورت یکدیگر قرار دارند، پدید می‌آید. (Buzan, 1991, p. 188)

۴- وجود حداقل دو بازیگر مؤثر: مطابق با این معیار نمی‌توان یک مجموعه امنیتی را بدون حداقل دو بازیگر قدرتمند و مؤثر منطقه‌ای تصور کرد.

۵- استقلال نسبی: بر اساس معیار استقلال نسبی، مجموعه امنیتی در جایی وجود دارد که روابط امنیتی، گروهی از کشورها را از سایرین جدا کرده و به یکدیگر پیوند زده است. (Buzan, 1991, p. 195)

با نگاهی به شرایط حاکم بر منطقه خلیج فارس، وجود مؤلفه‌های مجموعه امنیتی در منطقه دیده می‌شود. از این رو با مفروض گرفتن شرایط امنیتی حاکم بر منطقه با بیان سایر ابعاد امنیت که صرفاً بعد نظامی را در بر نمی‌گیرد. سعی بر خارج شدن از فضای امنیتی برای تسهیل حل و فصل پرونده‌های موجود در منطقه به خصوص پایان دادن به تجاوز یمن است.

ابعاد مختلف امنیت از دید باری بوزان جنبه‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست محیطی را در بر می‌گیرد. تعریف این پژوهشگر از امنیت را در واقع می‌توان واکنشی نسبت به دیدگاه رئالیست‌ها و لیبرالیست‌ها نسبت به امنیت دانست. در حالی که رئالیست‌ها در بحث امنیت محوریت را به قدرت نظامی می‌دادند و در مقابل لیبرال‌ها تأمین امنیت را در دستیابی به صلح می‌دانستند. بوزان بیان می‌دارد که "امنیت مسئله‌ای است بین ذهنی" که مبتنی بر تصمیم بازیگران خواهد بود. (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۱۳۶)

از این رو با عطف توجه و اهمیت مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در کنار مسئله نظامی برای حل و فصل مسائلی که در چارچوب نگاه استراتژیک و ژئوپلتیک دولت‌ها قرار می‌گیرد. سعی بر بیان راهبردهایی در قالب سیاسی و اقتصادی می‌شود.

۳-۱. امنیتی زدایی از بحران یمن

طی چند دهه گذشته با نگاهی به سیاست‌های عربستان سعودی در منطقه، به خصوص تلاش این کشور در شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس با هدف رویارویی با انقلاب جمهوری اسلامی ایران و سیاست اخیر رژیم آل سعود در ایجاد ائتلاف حمله به یمن، می‌توان شاهد حاکم شدن فضای امنیتی در منطقه از سوی ریاض برای رسیدن به سیاست‌های خود بود. طبق نظریه مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای بوزان، منطقه خلیج



فارس در حال حاضر با اقدامات عربستان سعودی در طیف سلبی این مجموعه قرار دارد. از جمله هنجارهای طیف سلبی می توان به جای گرفتن پیکربندی‌های ستیزآلود اشاره کرد، که نتیجه آن وابستگی زاده ترس، رقابت و احساس تهدید مشترک در دولت‌های منطقه، جهت مقابله با بازیگر خارج از مجموعه است. (بوزان، ۱۳۷۸: ۴۹)

در واقع دنبال کردن امنیتی سازی^۱ فضای منطقه از سوی ریاض جهت تسهیل اجرای سیاست‌های هژمونیک این کشور صورت می‌گیرد. در این میان جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن شرایط کنونی منطقه برای جلوگیری از استمرار فضای ایجاد شده. با شفاف سازی سیاست‌های خود و اقداماتی جهت امنیتی زدایی منطقه از جمله در پیش گرفتن این سیاست‌ها در میدان جنگ یمن، می‌تواند در ایجاد فرآیند غیر امنیتی نقش چشمگیری داشته باشد. از این رو پژوهشگران، راهبردهایی با محوریت امنیتی زدایی ارائه می‌دهند.

۳-۱-۱. تلاش برای متقاعدسازی جامعه بین‌المللی مبنی بر حمایت صرفاً معنوی از حوثی‌ها

در حال حاضر که الگوهای امنیت محور و امنیتی سازی تمامی مسائل بر فضای منطقه، غالب است. روشن شدن حوزه سیاست‌های حمایتی جمهوری اسلامی ایران از گروه حوثی، کمک زیادی را به حفظ ثبات و صلح در منطقه می‌نماید. هر چند تهران همواره در سیاست‌های اعلانی و اعمالی خود، بر پشتیبانی فرهنگی-سیاسی از گروه حوثی، تاکید کرده است. ولی بیانات برخی مقام‌های جمهوری اسلامی ایران، مبنی بر وجود شباهت بین حوثی‌ها و حزب الله لبنان (Almonitor, 2015)، می‌تواند به عنوان دست‌آویزی برای سایر بازیگران منطقه، جهت متهم کردن تهران به حمایت‌های همه جانبه حوثی‌ها و شعله‌ور شدن بحران‌های درون یمن قرار گیرد.

هر چند اجرائی شدن الگوی حزب الله لبنان، در یمن می‌تواند منافع جمهوری اسلامی ایران را در شبه جزیره عربستان، تأمین کند و به عنوان عنصر بازدارنده در مقابل سیاست‌های هژمونیک آل سعود در منطقه عمل کند. هم‌چنین بستری مناسب را برای پیاده شدن اصول دموکراتیک در این کشور فراهم آورد. ولی طرح چنین مسائلی در مقطع کنونی، که جامعه یمن بر سر شکل‌گیری دولت ملی اتفاق نظر ندارد و درگیر جنگی فراگیر از سوی عربستان است، نمی‌تواند راه‌گشا و مثمر ثمر باشد.



۲-۱-۳. در نظر گرفتن نقش متوازن برای عربستان سعودی در تحولات یمن

با توجه به قرار گرفتن یمن در شبه جزیره عربستان، صنعا به نوعی از دیدگاه ریاض جزو حوزه امنیتی این کشور محسوب می‌شود. از همین رو است که برای چندین دهه، ریاض، یمن را "حیاط خلوت" خود می‌داند و در برابر ورود هر کشور خارجی به شبه جزیره عربستان، به شدت واکنش نشان می‌دهد. زیرا ورود هر بازیگری به شبه جزیره را به معنای کم‌رنگ شدن هژمونی خود تلقی می‌کند. مؤلفه‌هایی که بیش و پیش از هر چیز یمن را در نگاه عربستان سعودی دارای اهمیت می‌کند موقعیت استراتژیک یمن از طریق تأثیرگذاری بر امنیت داخلی عربستان سعودی و موقعیت ژئوپلیتیک این کشور با توجه به اهمیت تنگه باب‌المنندب است.

الف) نگاه استراتژیک عربستان سعودی به یمن

یمن در نگاه استراتژیک عربستان، از جایگاه برجسته‌ای در مجاورت این کشور برخوردار است. موقعیت جغرافیایی یمن و نوع رابطه آن با عربستان در دهه‌ها و سال‌های گذشته، این کشور را از نظر اثرگذاری بر امنیت ملی عربستان، در سطح کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس قرار می‌دهد. (سرادار، موسوی، ۱۳۹۴: ۷۷)

همین امر باعث می‌شود عربستان سعودی هر گونه تغییر و تحولات در یمن را به مثابه نقطه آغاز تحولات در کل منطقه شبه جزیره عربستان و حتی فراتر از آن به مثابه ایجاد تغییرات در میان سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس ببیند.

عربستانی‌ها به یمن به عنوان یک کشور پر جمعیت و در عین حال پر مشکل در همسایگی خود می‌نگردند که هم‌زمان نیازمند توجه و برخورد محتاطانه است. در واقع نگاه عربستان به یمن تا حد زیادی از زاویه امنیت داخلی است و بیش از آن که از طریق وزیر امور خارجه به طرح‌ریزی سیاست در این کشور بپردازد، از وزیران کشور و دفاع خود در این زمینه بهره می‌گیرد. (سرادار، موسوی، ۱۳۹۴: ۸۶)

هم‌چنین، در نگاه استراتژیک عربستان سعودی، توانایی و ظرفیت اثرگذاری آن بر امنیت ملی عربستان، این کشور را در سطح کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس قرار می‌دهد. به همین دلیل در تمامی بحران‌ها و تحولات یمن در دهه‌های گذشته، عربستان بازیگر فعال و اثرگذار بوده است. این مسئله باعث شده است که دست کم از دهه ۱۹۸۰ به بعد، عربستان سعودی با کمک‌های خود موجب همراهی یمن با سیاست‌های این کشور در سطح منطقه و در پی آن، وفاداری یمن به عربستان شود.

علت عمده آسیب‌پذیر بودن این کشور و مسئله‌زا بودن آن برای عربستان سعودی، علاوه بر فعالیت گروه القاعده در این کشور، به اختلاف‌های مرزی صنعا و ریاض بازمی‌گردد. ازین رو تحولات یمن و بی‌ثباتی‌های ناشی از آن از گذشته دور به منزله چالشی پیش روی سعودی‌ها بوده است. ضمن این‌که با تشکیل شورای



همکاری خلیج فارس، یمن تنها کشور شبه جزیره عربستان بود که در پیوند با عربستان سعودی قرار نگرفت و در نتیجه نفوذ در آن به معنای ایجاد موازنه در مقابله با عربستان است. به همین دلیل یمن همواره در کانون توجه و نگرانی عربستان سعودی قرار داشته است؛ به گونه‌ای که در دهه ۱۹۹۰، سعودی‌ها استراتژی امنیتی خود را بر تضعیف عراق و مقابله با احیای تهدید یمن قرار داده بودند. (آل سید غفور و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۵۵)

ب) نگاه ژئوپلتیک عربستان سعودی به یمن در قالب تنگه باب المندب

یمن در جنوب شبه جزیره عربستان قرار گرفته است و مرزهای دریایی گسترده‌ای در دریای سرخ و خلیج عدن دارد. موقعیت استراتژیک این کشور به لحاظ اشراف بر شاخ آفریقا و امکان کنترل این منطقه و نیز سواحل شرقی آفریقا از طریق مرزهای دریایی جنوب و غرب یمن و نیز جزیره سواطاوا، اهمیت ویژه‌ای به این کشور داده است. (فیروز کلاتی، ۱۳۹۴: ۱۷۲)

به علاوه، اشراف این کشور بر تنگه باب المندب اهمیت مضاعفی به آن داده است. در واقع باب المندب یکی از آبراه‌های حیاتی شرق و غرب است که اقیانوس هند و دریای عرب را به دریای سرخ و مدیترانه متصل می‌کند. بندر عدن نزدیک‌ترین نقطه استراتژیک یمن به باب المندب و در حکم جبل الطارق^۱ آسیا است. هر نیروی نظامی که بر این منطقه مسلط گردد می‌تواند بر شاخ آفریقا و دریای سرخ استیلا داشته باشد و حتی با بستن تنگه باب المندب کانال سوئز را بدون استفاده سازد. با توجه به موقعیت استراتژیک یمن، می‌توان گفت که عامل جغرافیا نقش تعیین کننده‌ای در این کشور داشته است.

موقعیت استراتژیک یمن توجه قدرت‌های توسعه طلب مانند امپراطوری عثمانی، بریتانیا، ایتالیا، عربستان سعودی، آمریکا و شوروی سابق به این کشور را به دنبال داشته است. (جعفری ولدانی، ۱۳۷۲: ۴۹)

درباره اهمیت تنگه یاد شده در حوزه ترانزیت، می‌توان گفت براساس آمار موجود حدود پنج تا شش درصد تولید نفت جهان و به عبارت دیگر حدود چهار میلیون تن نفت هر روز از این تنگه به سمت کانال سوئز و از آن جا به دیگر نقاط جهان منتقل می‌شود.

سالانه حدود ۲۱ هزار کشتی حامل انواع کالاها نیز از باب المندب عبور می‌کند. براساس ارزیابی‌های اداره اطلاعات انرژی آمریکا در سال ۲۰۱۳، مقدار نفتی که روزانه از این تنگه عبور می‌کند، حدود سه میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه عنوان شده، که این رقم معادل شش درصد تجارت نفت جهانی به شمار می‌آید. (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۴) با توجه به اهمیت ژئوپلتیک باب المندب، یمن همواره یکی از نقاط آسیب پذیر و در عین حال فرصت ساز و استراتژیک برای عربستان محسوب شده است.

۱. تنگه جبل طارق آبراهی است که دریای مدیترانه و دریای آلبوران را به اقیانوس اطلس متصل می‌کند.



لذا شایسته است جمهوری اسلامی ایران، اولویت شبه جزیره عربستان در سیاست‌های امنیتی ریاض را در نظر بگیرد و سهمی از نقش را برای عربستان سعودی در یمن تا جایی که به اتخاذ راهکارهای نظامی نپردازد، قایل شود تا نقش آفرینی این دو بازیگر به تنش و منازعه لفظی در عرصه سیاسی یمن منجر نگردد.

۳-۱-۳. ایجاد شکاف بین کشورهای ائتلاف حمله به یمن

وجود اختلاف‌های گسترده بر سر مسائل ارزی و بهره‌برداری از میدان‌های گاز و چاه‌های نفت بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، به عنوان اعضای اصلی ائتلاف حمله به یمن، هم‌چنین نبود اتفاق نظر بر سر چگونگی شکل‌گیری حکومت در یمن، شکننده بودن ائتلاف حمله به یمن را نمایان می‌کند. اگر بی نتیجه بودن تهاجم به یمن را به موارد اختلاف گفته شده بیافزاییم که عربستان سعودی تلاش بسیاری در قانع کردن سایر اعضا ائتلاف برای نشان دادن اهمیت و منفعت تمامی کشورهای عربی در پیروزی این حمله داشت، می‌توان اختلاف‌های گفته شده را به عنوان نشانه‌ای برای ایجاد شکاف که خود عامل مهمی در فراهم سازی آتش بس در یمن محسوب می‌شود، دانست.

از جمله ابزارهایی که این فرآیند را سرعت می‌بخشد، افزایش مناسبات جمهوری اسلامی ایران با کشورهای عضو ائتلاف و شفاف سازی سیاست‌های غیرمداخله جویانه تهران در کنار انعقاد قرارداد در ابعاد مختلف با کشورهای ائتلاف، که به دنبال آن تصویرسازی مثبت و جلب اعتماد ایجاد می‌شود و منجر به خنثی شدن تصویر سازی عربستان برای ایجاد دیگری در حمله به یمن می‌گردد.

۳-۲. سیاسی کردن بحران یمن

گام بعدی که در راستای سیاست امنیتی‌زدائی متصور است، انجام اقداماتی در مسیر سیاسی کردن مسائل و بحران یمن است. حکومت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند این گام را در قالب سیاست کوتاه مدت تحقق بخشد تا زمینه مناسب برای انجام راهبرد سیاسی زدائی در مرحله بعد فراهم گردد. راهبرد سیاسی کردن مسائل، با تحلیل سیاست‌هایی که تاکنون در قبال بحران یمن در پیش گرفته شده بود و برخی سیاست‌های پیشنهادی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۲-۱. تحلیلی بر اقدام‌های صورت گرفته جهت تحقق سیاسی کردن مسائل

در این بخش با توجه به مطالب گفته شده پیرامون مسائل سیاسی و اهمیت آن به عنوان بعدی از امنیت و حتی به صورت منفک از آن، در باز سازی بحران یمن از این مبحث در قالب بیان راهبرد کمک می‌گیریم. اقدام وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران از بعد سیاسی قابل تحلیل است. وزیر امور خارجه ایران (محمدجواد



ظریف)، با شروع حمله نیروهای ائتلاف به رهبری عربستان سعودی به یمن، با ارائه طرح چهار ماده‌ای به دبیر کل سازمان ملل متحد، خواهان برقراری آتش بس و اجرای راه حل یمنی برای بحران این کشور را خواستار شد.

این اقدام را می‌توان گام مهمی برای برقراری صلح در منطقه محسوب کرد، که حسن نیت و نگاه سیاسی تهران را در مواجهه با حمله به یمن را نشان می‌دهد. هم‌چنین، برقراری ارتباط با گروه‌ها و احزاب مختلف از دیگر نشانه‌های تلاش تهران برای اعمال رویکرد سیاسی در بحران یمن است. رویکرد تعامل با بازیگران متعدد صرف نظر از نوع گرایش‌های ایدئولوژیک و سیاسی آن‌ها به نوعی اقدام منحصر به فردی از سوی بازیگران قدرتمند منطقه محسوب می‌شود. چرا که سایر بازیگران قدرتمند از جمله عربستان سعودی، در مواجهه با گروه‌ها و احزاب داخلی کشورهای مختلف ایدئولوژی و هم‌سوئی با سیاست‌های خود را مد نظر قرار می‌دهد.

۲-۲-۳. سیاست‌های پیشنهادی جهت مواجهه سیاسی در قبال بحران یمن

الف) تشویق عمان به ایفای نقش میانجی در بحران یمن

سیاست‌های میانجی‌گرایانه عمان طی دهه‌های اخیر در مسائل مختلف منطقه، در کنار راهبرد بی‌طرفی از سوی پادشاه این کشور، زمینه مساعدی برای همکاری تهران و مسقط در مواجهه با بحران یمن را فراهم می‌آورد. از طرفی با توجه به بی‌نتیجه بودن مذاکرات صلح کویت، به تازگی نماینده سازمان ملل در امور یمن (اسماعیل ولد شیخ احمد) عمان را بهترین گزینه، برای حل و فصل درگیری‌های صنعا معرفی کرده است. اسماعیل ولد شیخ در دیدار با وزیر خارجه عمان (یوسف بن علوی بن عبدالله) اقدامات پادشاه عمان در امور یمن را ارزشمند دانسته است. (prensalatina, 2016)

راهبردهای غیر تهاجمی و میانجی‌گرانه از سوی مسقط به عنوان استراتژی‌های این کشور، که از سال ۱۹۷۶ با کودتای نافرجام ذفار تا کنون ادامه دارد. (Cafiero, Karasik, 2017) جمهوری اسلامی ایران را در پرونده یمن به سوی عمان متمایل می‌کند. از این رو تهران با تشویق این کشور و سایر کشورهای منطقه می‌تواند فضای مناسبی برای برگزاری نشست‌های صلح در عمان را فراهم آورد.

چرا که عمان، به عنوان عضوی از شورای همکاری خلیج فارس در کنار پذیرش نقش میانجی از سوی کشورهای ائتلاف حمله، مورد تأیید نماینده سازمان ملل متحد و نمایندگان کشور یمن است. طرح میانجیگری عمان در پرونده یمن، گام بزرگی در امنیتی‌زدایی بحران یمن و آماده‌سازی بستر آتش بس به شمار می‌آید.



۳-۳. سیاسی زدائی از بحران یمن

در تمامی مراحل یاد شده سایه‌ای از تنش بر روابط کشورهای منطقه قابل پیش‌بینی است. هر چند اقداماتی چون امنیتی‌زدائی و سیاسی کردن امور خود گام‌های مهمی برای تقلیل تنش‌ها و جلوگیری از گسترده شدن جنگ محسوب می‌شود، می‌توان به آن‌ها به عنوان شرایط لازم و نه کافی جهت بسط عادی سازی روابط و برقراری صلح پیوسته نگریست. از این‌رو با کافی نبودن سیاسی کردن امور امنیتی، در مرحله سیاسی زدائی بر روی فعالیت‌های اقتصادی و پروژه‌هایی که سایر کشورهای منطقه در کنار جمهوری اسلامی ایران از آن‌ها منتفع می‌شوند، متمرکز می‌شویم. در این گام نیز به بعد دیگر امنیت از دیدگاه باری بوزان و فراتر از آن اهمیت نقش اقتصاد در کاهش تنش‌ها در منطقه‌ای که الگوی مجموعه امنیتی بر آن تطبیق دارد، پرداخته می‌شود. در واقع تهران با تمرکز بر سیاست‌های اقتصادی‌ای نظیر کریدور شمال- جنوب، خط لوله صلح و توسعه بندر گوادر به صورت غیر مستقیم، تلاشی بزرگ برای تحقق صلح منطقه‌ای را صورت داده است.

۳-۱. کریدور شمال- جنوب

کریدور حمل و نقل بین‌المللی که در زمینه ترانزیت کالا بین کشورهای آسیایی و اروپایی تا کنون به وجود آمده است، کریدور شمال- جنوب است. این کریدور ارتباط ترانزیتی کشورهای شمال اروپا، اسکاندیناوی و روسیه را از طریق ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس، حوزه اقیانوس هند و جنوب شرقی آسیا برقرار می‌سازد.

کریدور شمال- جنوب، در حال حاضر کوتاه‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و سریع‌ترین مسیر ترانزیت کالا بین آسیا و اروپا به شمار می‌رود. کریدور یاد شده به طور مستقیم و غیر مستقیم با موقعیت ترانزیتی جمهوری اسلامی ایران مربوط است و ایران در آن به عنوان پل ارتباطی بین آسیا و اروپا عمل می‌کند. از طریق کریدور شمال- جنوب، کشورها می‌توانند از مزایای دسترسی به سه بازار و مرکز توزیع و حمل و نقل بازار جهانی در آسیا شامل حوزه خلیج فارس، حوزه اقیانوس هند و حوزه کشورهای جنوب شرقی آسیا با جمعیتی حدود چند میلیارد نفر برخوردار شوند.

در قسمت مزایا با اشاره به تسهیل دسترسی کشورهای شمال اروپا و روسیه به حوزه خلیج فارس از طریق موقعیت ترانزیتی کشور ایران، منتفع شدن تمامی کشورهای منطقه با توجه به کاهش هزینه‌های حمل و نقل قابل مشاهده هست. با توجه به این که مکانیسم اتصال بنادر شمال و جنوب دریای خزر (رورو- ریلی) است و اتصال بندرعباس به بنادر کویت، عربستان، امارات، عمان و هندوستان نیز از طریق کشتی‌های رو- رو میسر است. (عدالتیان، معیینی جزئی، ۱۳۹۵) این پروژه می‌تواند تا حد زیادی مشارکت کشورهای منطقه خلیج فارس را افزایش و اختلاف سلیقه سیاسی آن‌ها را تحت الشعاع قرار دهد.



۳-۳-۲. خط لوله صلح

خط لوله صلح، در واقع، یک طرح انتقال گاز است. که می‌بাসیت گاز ایران را به پاکستان و از طریق پاکستان به هند منتقل کند. این طرح را، به این دلیل خط لوله صلح گفته اند که با پیوند زدن بخشی از اقتصاد کشورهای هند و پاکستان، به عنوان کشورهای که تاکنون چند بار با هم جنگیده‌اند، آنها را به سمت صلح هدایت می‌کند. (رحیمی، ۱۳۸۷: ۲۰۰) محمدجواد ظریف سفری را در مرداد ماه ۱۳۹۴ به پاکستان و هند داشت که به نتیجه رسیدن قرارداد خط لوله صلح یکی از اهداف این سفر بود. هر چند موانع پیچیده‌ای بر سر راه این قرارداد وجود دارد. (ایسنا، ۱۳۹۴)

این موانع بیش از این که ناشی از اختلاف‌های داخلی بین کشورهای طرف قرارداد باشد، برخاسته از مداخله جویی‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای است. که با پر رنگ کردن اختلاف‌ها و اعمال تهدیدهای اقتصادی مانع اجرایی شدن خط لوله صلح می‌شوند. سفر وزیر خارجه ایران در راستای به نتیجه رسیدن قرارداد یاد شده، با توجه به ثمر بخش بودن مذاکرات تهران با شش قدرت جهانی درباره برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، تا حد زیادی می‌تواند در این مسیر راهگشا باشد.

۳-۳-۳. توسعه بندر چابهار

در برنامه چهارم توسعه کشور از بندر چابهار به عنوان قطب سوم اقتصادی نام برده شده است. با توجه به موقعیت جغرافیایی ویژه‌ای که این بندر را به شکل پل ارتباطی اروپا و آسیا و تنها دروازه اصلی تجارت معرفی می‌کند. ضرورت دسترس ایران به بازارهای آسیای میانه و تصاحب بازار افغانستان، به عنوان قطب تجارت جنوب شرق کشور حائز اهمیت است.

موقعیت جغرافیایی و استراتژیک چابهار و دسترس مستقیم به آب‌های آزاد دریای عمان و اقیانوس هند، پل عبور به آسیا و کشورهای عضو آکو، دروازه اصلی تجارت با آسیای مرکزی، قرار گرفتن در مسیر تجاری بین خاورمیانه و آفریقا و مطرح بودن به عنوان حلقه واسطه‌ای در کریدور شمال- جنوب به دلیل دسترسی مستقیم به راه‌های ارتباط بین‌المللی و داخلی شرق و غرب، نشان دهنده مزیت ترانزیتی این بندر در برنامه‌ریزیهای توسعه مناطق آزاد است. (پرتوی، ۱۳۸۵: ۱۷-۱۸)

با توجه به موقعیت بندر چابهار، طرح‌های ارائه شده برای توسعه این بندر، همچون طرح کریدور شمال- جنوب و طرح لوله‌کشی صلح می‌تواند مزیت‌های گسترده‌ای برای تمامی کشورهای منطقه در برداشته باشد. (pajhwok, 2017) هر چند وزنه‌گرایش‌های اقتصادی در طرح‌های سه‌گانه گفته شده محسوس است و در نگاه اول عامل مستقیمی در استقرار صلح خلیج فارس به شمار نمی‌آید.

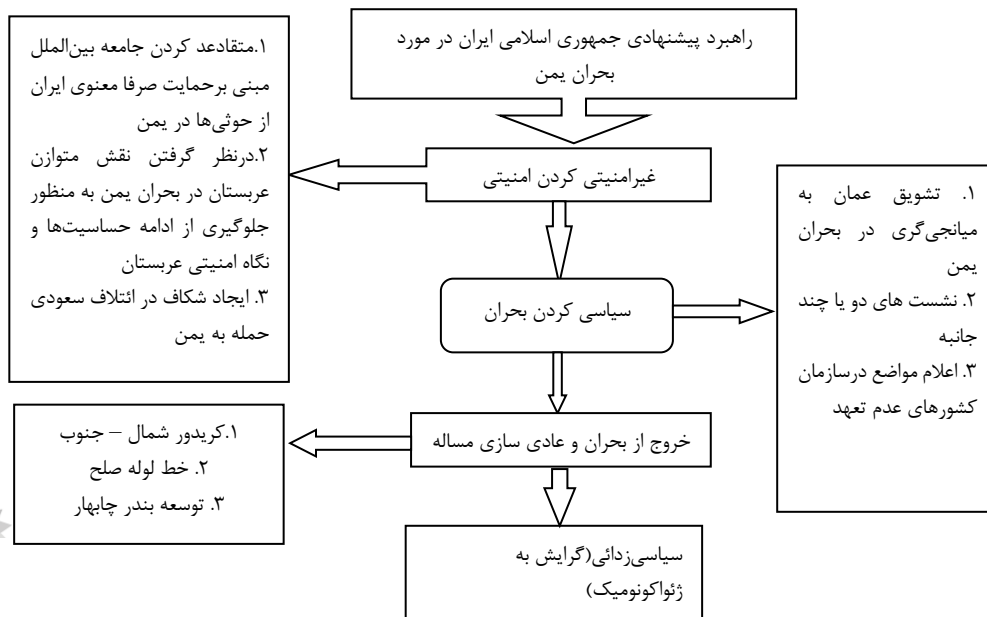


ولی واقعیت امر این است که در الویت قرار گرفتن طرح‌های یاد شده در سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران، با توجه منتفع بودن تمامی کشورهای منطقه خلیج فارس و ایجاد حلقه‌های ارتباطی بین مناطق غرب، مرکز و شرق آسیا، به صورت حداکثری تأمین امنیت منطقه‌های یاد شده را به دنبال دارد.

به عبارتی فراهم کردن روابط سیاسی جهت اجرای طرح‌های اقتصادی، خود گام مهمی در جلب اعتماد کشورهای متعدد منطقه که بعضاً دارای اختلاف تا سرحد جنگ هستند، می‌شود. ادامه روند اعتماد سازی، رونق طرح‌های اقتصادی و پیوند اقتصاد کشورهای منطقه، در نتیجه کم‌رنگ شدن مسائل امنیتی تنش‌زا و حل و فصل آن‌ها در چارچوبی مسالمت‌آمیز است. در این مرحله شاهد سیاسی زدائی از مسائل هستیم که این روند فضای تعامل را تسهیل و راهکارهای حل و فصل اختلاف‌ها را تنوع می‌بخشد.

از این رو تأثیر مثبت فضای حاکم بر منطقه حتی میدان جنگ یمن را فرا می‌گیرد و فضای اعتمادزائی، استراتژی‌های بازیگران مختلف را از تقابل و جنگ به هم‌سوئی و ایجاد ساز و کارهایی که تمامی بازیگران منطقه را در برگیرد، تغییر می‌دهد. در نتیجه با شکستن فضای امنیتی، در پیش گرفتن سیاست دشمن سازی برای رسیدن به اهداف کنار می‌رود و این امر به ثبات نسبی امنیت و برقراری صلح در منطقه کمک شایانی می‌نماید.

نمودار ۱- «مدل پژوهش در زمینه استراتژی جمهوری اسلامی ایران در زمینه بحران یمن»



۴. نتیجه گیری

در این مقاله با بررسی بحران یمن در قالب نظریه بحران‌های لوسین پای، در مرحله‌ی اول با تبیین شرایط داخلی کشور یمن، نوع مواجهه جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یاد شده مورد تحلیل قرار گرفت. در واقع بررسی راهبردهای تهران پس از وقوع بحران در کشور یمن و به دنبال آن حمله ریاض به صنعا، با هدف ارزیابی راهبردهای حال حاضر و ارائه سیاست‌هایی که می‌تواند تأمین‌کننده سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران باشد، صورت گرفت.

در این راه با در نظر گرفتن اصول کلی حاکم بر راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، هم‌چنین فضای امنیتی حاکم بر منطقه، پژوهش‌گران توجه به نقش یمن در سیاست‌های عربستان سعودی و ایجاد شکاف میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس که نقش مهمی در آینده یمن و برقراری آتش بس در صنعا را ایفا می‌کنند را برای پیشبرد سیاست‌های تهران در یمن ارائه می‌دهند.

از جمله ابزارهایی که می‌تواند در پیاده کردن راهبردهای جمهوری اسلامی ایران نیز مفید واقع شود. کسب اعتماد از طریق نشست‌های دو جانبه و چند جانبه و اعلام مواضع تهران در سازمان کشورهای عدم تعهد و افزایش همکاری با کشورهای معتدل منطقه خلیج فارس از جمله عمان است. به کار گرفتن تاکتیک‌های پیش گفته می‌تواند در کاهش فضای امنیتی حاکم بر منطقه و تحکیم نقش صلح جو تهران در میان بازیگران منطقه و فرامنطقه و در نهایت شکل‌گیری اجماع برای پذیرفتن راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در یمن مفید واقع گردد.

ولی با توجه به حاکم شدن طیف سلبی مناسبات در فضای امنیتی منطقه خلیج فارس، عامل ترس، رقابت و احساس مشترک تهدید، به نوعی زمینه ایجاد ائتلاف مقابله با یمن را بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، با وجود اختلاف‌های بین آن‌ها فراهم نموده است. از این رو با توجه به نظریه بوزان، حاکم شدن چنین فضایی، نشان از شکل‌گیری مجموعه امنیتی در این منطقه دارد.

در واقع، این مجموعه زمانی ظهور می‌کند، که روابط امنیتی گروهی از کشورها را از بقیه جدا کرده، به هم پیوند دهد، این امر به سبب ماهیت نسبتاً شدید درونی و ضعف نسبی کنش و واکنش‌های امنیتی خارجی بین همسایگان است. در تحلیل حمله عربستان، مؤلفه‌های هویت و موقعیت ژئوپلیتیک و نگاه امنیتی در پی آن، نقش برجسته‌ای دارند به گونه‌ای که آنچه یمن را به سوی آغاز جنگ داخلی سوق می‌دهد، رقابت عربستان سعودی سنی مذهب با ایران شیعی مذهب در منطقه است و یمن نیز از این قاعده مستثنی نیست.

از منظر تاریخی، جنگ داخلی یمن در سال ۲۰۰۹ به خاک عربستان نیز کشیده شد و ریاض در پی نگرانی از هر گونه اقدام تهران برای کمک به براندازی صالح به حمایت از وی ادامه داد. در حقیقت، یکی از مهمترین دلایل تهاجم نظامی ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی، مسائل مرتبط با رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان است و این رقابت‌ها تمایل این کشورها برای رهبری منطقه را آشکار می‌سازد براین اساس



سیاست و استراتژی جمهوری اسلامی باید در جهتی باشد که از روند فزاینده بحران یمن بکاهد، بدین گونه که باید برای غیرامنیتی کردن این مساله و در پی آن سیاسی کردن آن برنامه‌ریزی لازم صورت گیرد. در مرحله بعد باید به گونه‌ای پیش رفت که به سمت سیاسی زدایی و مسائل ژئواکونومیک و نهایتاً عادی سازی مساله و بازگشت ثبات و امنیت نسبی در منطقه گام برداشته شود و در پی آن از گسترش آتش نامنی و بی‌ثباتی و در پی آن ایجاد زمینه دخالت بیشتر بازیگران فرامنطقه‌ای همچون آمریکا و هم پیمانانش جلوگیری به عمل آید.



منابع

- ابوالحسن شیرازی، حبیب الله، مظلوم طبائی زواره، سید رضا (۱۳۹۱)، "کالبدشکافی انقلاب صورتی در یمن و نقش عربستان در سرکوب آن"، پژوهشنامه روابط بین الملل، شماره ۲۱
- کاردان، عباس (۱۳۹۰)، «نگاهی به فرآیندها و جریان های اسلام گرا در یمن»، ویژه بیداری اسلامی در خاورمیانه، تهران: موسسه ابرار معاصر
- فیروز کلائی، عبدالکریم (۱۳۹۴)، "تحلیلی بر مهم ترین علل تهاجم نظامی ائتلاف تحت رهبری عربستان- سعودی به یمن"، فصل نامه تخصصی پژوهش های منطقه ای، شماره ۱۵.
- پای، لوسین (۱۳۸۰)، بحرین ها و توالی ها در توسعه سیاسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ترجمه: غلامرضا خواجه سروی
- صادقی، حسین، احمدیان، حسن (۱۳۸۹) "دگرگونی جایگاه منطقه ای یمن: امکانات و چالش ها"، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۶.
- جوکار، مهدی، (۱۳۹۱)، "سنخ شناسی انقلاب یمن؛ بیداری اسلامی یا بهار عربی؟"، قابل دسترسی در: IPSC، <http://peace-ipsc.org/fa/>، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۴/۱۰/۱۸
- نیاکوئی، امیر (۱۳۹۰)، «کالبد شکافی انقلاب های معاصر در جهان عرب»، تهران: نشر میزان
- العالم، (۱۳۹۴)، "دلیل حضور احزاب یمنی در سفارت ایران در صنعاء"، <http://fa.alalam.ir/print/17777720>
- عدالتیان، جمشید، معینی جزئی، رضا، (۱۳۹۵)، "کریدور شمال- جنوب، فرصت سازی برای آینده، روزنامه دنیای اقتصاد، <http://donya-e-eqtasad.com/news/684873>
- رحیمی، غلامعلی، (۱۳۸۷)، "خط لوله صلح: فرصتها و چالشها"، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۲۴۹ و ۲۵۰
- <http://www.isna.ir/news/940524132>
- ایسنا، (۱۳۹۴)، "ایران میانجی احیای خط لوله صلح می شود؟"، www.isna.ir/news/94052413217/
- پرتوی، ملوک، ۱۳۸۵ "موانع و محدودیت های توسعه بندر چابهار به عنوان یک منطقه آزاد"، ماهانه بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی، شماره ۶۳ و ۶۴
- خبرگزاری تسنیم، (۱۳۹۴) "اهمیت راهبردی نظامی و اقتصادی تنگه باب المندب"، قابل دسترسی در:



http://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/07/18/883606 /اهمیت-ت-
 راهبردی-نظامی-و-اقتصادی-تنگه-باب-المنذب؟، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۲/۱۰
 - جعفری ولدانی، اصغر(۱۳۷۲)، "عربستان سعودی: نگاه به یمن"، **مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره ۶۹ و ۷۰.
 سرادار، حمید، موسوی، میرهادی(۱۳۹۴)، جایگاه یمن در سیاست خارجی عربستان سعودی، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۹، شماره ۱
 آل سید غفور، سید محسن، کاظمی، احسان، موسوی دهموردی، سید محمد، (۱۳۹۴) "تبیین رقابت استراتژیک جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در یمن"، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و نهم، شماره ۲
 عبدالله خانی، علی، ۱۳۸۴، نظریه‌های امنیت. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین-المللی ابرار معاصر

-Almonitor, Does iran really control yemen?,jan. 22. 2015. <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2015/02/iran-yemen-houthis-axis-of-resistance.html>

-Global security, "TRIBES", Available at: www.globalsecurity.org/military/world/yemen/tribes.htm, Access date: 10/8/2015

www.undp.org.ye,(2012), Access date:25/2/2016

-Yemen Times(2014) "PRESIDENT HADI: INEFFECTIVE and ILLEGITIMATE?" <http://www.yementimes.com/en/1830/opinion/4529/President-Hadi-Ineffective-and-illegitimate.htm>

-Schmitz, Charles(2014), "YEMENS NATIONAL DIALOGUE" , **the middle east institute**, www.mei.edu/content/yemens-national-dialogue

Charbonneau ,Louis(2015),"Iran submits four-point Yemen peace plan to United Nations", Reuters, www.reuters.com/article/us-yemen-security-iran-

-AL Monitor(2016),"SIX REASONS WHY IRAN WON'T JOIN the WAR in YEMEN", Available at: <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/03/iran-saudi-yemen-war-military-involvement.html#>, Access date: 20/4/2016



-khalaji, Mehdi(2015) “YEMENS ZAIDIS: A WINDOW for IRANIAN INFLUENCE”,**the Washington institute**, February/2/2015, www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/yemens-zaidis-a-window-for-iranian-influence

-Milani, mohen,(2015),”IRANS GAME in YEMEN : WHY TEHRAN ISN’T to BLAME for the CIVIL WAR”, **Foreign Affairs**, <https://www.foreignaffairs.com/articles/iran/2015-04-19/>

-Adelkhah, Nima(2015),”IRANIAN PERSPECTIVES on YEMEN’S HOUTHIS”, **The Jamestown foundation**, Global Research and Analysis, http://www.jamestown.org/regions/middleeast/single/?tx_ttnews%5Btt

-Ritzinger, Louis(2015), “ Why Pakistan is staying out of Yemen, the national Interet” April 27, 2015, <http://nationalinterest.org/feature/why-pakistan-staying-out-yemen-12730>

-Almonitor, 2015)OMAN BREAK from GCC on YEMEN CONFLICt, 2015, <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2015/05/oman-response-yemen-conflict.html>

-Crisis Analysis, (2015), “Turkish public opinion on operations in yemen, <http://www.rcssmideast.org/en/Article/193/Turkish-public-opinion-on-operations-in-Yemen#.V9QUUzXdXfY>

-Prensalatina, 2016, “ UN RECOGNIZES KEY ROLE by OMAN in SOLUTION to CRISIS in YEMEN” <http://www.plenglish.com/index.php?o=rm&id=2917&SEO=un-recognizes-key-role-by-oman-in-solution-to-crisis-in-yemen>, September, 14, 2016

-Pajahwok,(2017) “CHABAHAR PORT PACTS IMPLEMENTATION a PRIORUTY: CEO, <https://www.pajhwok.com/en/2017/05/15/chabahar-port-pact%E2%80%99s-implementation-priority-ceo>, access date: may/15/2017

-Cafiero, Giorgio, Karasik, Theodore(2017), “YEMEN EAR and QATAR CRISIS CHALLENGE OMANS NEUTRALITY”, Middle east institute, <http://www.mei.edu/content/article/oman-s-high-stakes-yeme>



-Transfeld, Marike(2017), "Irans Small Hand in Yemen", carnegieendowment, <http://carnegieendowment.org/sada/67988>, access date: February/14/2017

Vermeersch ,Peter.(2011) **Theories of ethnic mobilization :overview and recent trend** ,CRPD (centre for research on peace and development), University of Leuven Belgium.www.google.



Assessment of the Islamic Republic of Iran's strategy towards the Yemeni crisis

Mohammad Reza Dehshiri, Fereshteh Maboodinejad

Received: 27 November 2016

Accepted: 16 October 2017

The present article aims to study the strategies of the Islamic Republic of Iran towards the Yemeni crisis. After explaining different factors involving in creating the crisis in the country, in terms of the Lucien Pye's theory of crises, the authors further describe Tehran's orientation and policies toward the Yemeni crisis, taking into account the values and principles of the Islamic Republic of Iran's foreign policy and considering the security circumstances in the region. In order to assess the strategies of the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia's efforts to securitize the regional issues at the present time, the article takes the "security complex theory" of Bary Buzan as its conceptual framework. In fact, Riyadh, since its formation in 1932, has been pursuing a securitization policy in Yemen, in pursuit of its interests and policies in Sana'a. Now, after the increase of the Islamic Republic of Iran's regional power, Saudi Arabia, through the continuation of its hegemonic policy, is trying somehow to present Tehran as the factor of destabilization and securitization in the region. Therefore, the article, after explaining the policies of the Islamic Republic of Iran, based on peaceful and participatory coexistence, proposes the de-securitization strategy, aimed at transforming the security environment in the Persian Gulf region.

Keywords: *Islamic Republic of Iran, Saudi Arabia, Yemeni crisis, Persian Gulf, regional security.*